

اویگن هوبر

۱۸۴۹-۱۹۲۳

نوشته

دکتر تقی لطفی

وکیل دادگستری

استادی

ترقی اویگن هوبر در کار علمی و استادی و بعدها قانون‌نویسی مبارزه‌ای سخت و طولانی بود. یاد داریم که در دانشگاه زوریخ دانشجویی حاضر نمی‌شد پدرس این دانشیار گمنام گوش فرا دهد، یا چنانکه دیدیم، در موقع ارتقا به مقام استادی حکومت برن از دادن مرتبه استادی به او امتناع می‌ورزید. حکومت برن حق‌کشی می‌کرد، و هوبر در حقیقت چوب سیاست را می‌خورد. بنابراین راهی که او در پیش داشت، بسیار دور و دراز و پرفراز و نشیب بود. بااینهمه جامعه دانشگاهی و روزنامه‌نگاری با او بود و از وی پشتیبانی می‌کرد. بعلاوه ارزیابی او بوسیله مراجع رسمی همیشه یکسان نبود و تغییر می‌کرد. چنانکه دیری نکشید که حکومت به قضاوت نادرست خود درباره این مرد پی برد. و اکنون افتخار کشف استمداد علمی اویگن هوبر که از سه سال و نیم پیش به کار عملی کیفری (بازرسی و ریاست شهربانی آپنتسل) اشتغال داشت، نصیب شهر بال می‌شد. حکومت بال در پاییز سال ۱۸۸۰ اویگن هوبر را دعوت کرد تا در دانشگاه بال درس بدهد. آنچه زادبوم او زوریخ از او گرفته بود و استان برن از این حقوقدان زوریخی دریغ می‌داشت، اکنون بال بوی باز پس می‌داد: نخست بسمت استاد، و یک سال بعد بسمت استاد متخصص حقوق مدنی سویس، تاریخ حقوق سویس و حقوق اساسی سویس برگزیده شد، به‌جانشینی «ویس» استاد خود. حقوق استادی در بال کم و ناچیز بود. ولی هوبر چیزی نمی‌گفت. آنچه برای او مهم بود، استقلال مالی بود و پس، او می‌خواست زندگی خود را به‌گونه‌ای تأمین

(۱) این سه درس امروزه سه‌بخش جدا از هم است.

کند که به آرزو و هدف او لطمه‌ای نرسد. و حفظ این هماهنگی در برخورد نیازها و شخصیت بسیار دشوار بود. ولی هوبر می‌توانست از عهده برآید، چون ساده می‌زیست و از شکوه و جلال پرهیز می‌نمود. او تا آخرین لحظه حیات چنین بسر برد و رفتار خود را عوض نکرد. ولی بهر حال زندگی در شهر بال دیگر چندان سخت نبود و هوبر مشکل مالی نداشت، بویژه آنکه در این مقام وارد رشته‌ای می‌شد که از دیرباز آرزو می‌کرد.

با اقامت در شهر بال (از سال ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۸) فعالیت علمی (استادی و مجله‌نویسی) هوبر بار دیگر آغاز شد. او در دانشگاه درس می‌داد و در بیرون با دو دانشمند دیگر بنام آندراس هویسلر^۲ و پاول اشپایزر^۳ کار می‌کرد.

هویسلر مدیر مجله حقوق سویس^۴ بود و هوبر او را بنحوی می‌شناخت. مردی بود صاحب‌نظر با طبعی که در انتقاد به‌کسی و به‌چیزی امان نمی‌داد. ولی گاهی نیز قضاوت‌های تند و منفی می‌کرد، در حالی که هوبر به‌نرمی و خلق در محیط خود نمونه بود. بعلاوه جهان‌بینی سیاسی این دو، همچنین شیوه هر یک در قانون‌نویسی فرق می‌کرد، چنانکه کار آندوگاه به‌تضاد می‌کشید. از اینرو هیچگاه این دو استاد نمی‌توانستند دوست نزدیک یکدیگر باشند.

با اینهمه همکاری هویسلر - هوبر - اشپایزر در شهر بال برای پیشرفت و پیروزی حقوق سویس فایده بسیار داشت. این سه تن در سال ۱۸۸۲ گروه نویسندگان مجله حقوق سویس را تشکیل دادند و در برنامه تازه مجله تکلیف‌های نو پدید حقوق را بررسی می‌کردند. چون بتازگی «قانون تعهدات سویس» گذشته بود، و چگونگی اعمال آن سؤاها و معضله‌هایی پیش می‌آورد، این سه استاد بادیده تیزبین جریان را نگریسته با اندیشه شگرف حقوقی خود یاری می‌دادند. مجله همچنین قوانین استانهای سویس را بررسی می‌کرد و سویس را نگران آینده علم حقوق خود می‌ساخت. باین ترتیب مجله حقوق سویس به‌همت این سه دانشمند توفیق یافت اصولی را طرح کند که در آینده مورد قبول و احترام همه حقوقدانان سویس قرار گیرد. همچنین هوبر در سها و نتیجه تحقیق خود را در این مجله منتشر می‌ساخت. از جمله نخستین درس او در دانشگاه بال درباره «حقوق کلن در شهرهای تسهرینگی»^۵ و دیگر نقد و نوشته‌های علمی هوبر. اینها چکیده روح توانایی بود که لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت و حتی درباره شاهکار بزرگ خود هویسلر بنام «نهادهای حقوق خصوصی آلمان» با دیده تحسین بحث و انتقاد می‌کرد و نکته‌ها می‌نوشت.

*

2) Andreas Heusler, 1834-1921.

آندراس هویسلر استادزاده، اهل شهر بال و خود استاد ژرمن - شناسی حقوق، آیین دادرسی و تاریخ حقوق بود.

3) Paul Speiser.

4) Die Zeitschrift für schweizerisches Recht.

5) Das Kölnische Recht in den Zähringischen Städten.

وضع قانون تعهدات سویس و سپس اجرای آن از اول ژانویه ۱۸۸۲ یک واقعه با اهمیت در تاریخ حقوق خصوصی سویس است. این قانون «نخستین مجموعه قانونی کشور سویس» بود که در آن سرزمین وحدت قانونی برقرار می‌ساخت، هر چند این وحدت محدود به «بخش تعهدات» بود. «وحدت در همه قسمت‌های حقوق خصوصی» در آن تاریخ نمی‌توانست با نوشتن یک قانون بوجود آید و مانع نیز پیشتر گفته شد که از جمله وجود مقررات پراکنده و رنگارنگ و پافشاری قدرتهای محلی در حفظ آنها بود؛ و اینک توضیحی بیشتر:

«قانون تعهدات سویس» از حقوق رم الهام می‌گرفت. رها ساختن این اندازه نفوذخارج در سویس، هرچند زیان‌ناهیی‌داشت، به‌تحقق نسبی آرزوی دیرین وحدت حقوقی می‌ارزید، بویژه آنکه در دیگر کشورهای اروپایی پذیرش حقوق رم دامنه گسترده‌ای پیدا کرده بود. ولی این تدبیر در همه بخشهای حقوق خصوصی سویس بکار نمی‌آمد. در اینجا مقررات شخص و مال و ارث مطرح بود، و اینها نیز با سرچشمه‌های حقوق آلمان پیوستگی داشت، و برخی از این مقررات در شهرها و مجلسهای سویس بطور مستقل بدرجه‌ای از کمال رسیده بود. از طرفی مردم هر استان به حکم طبیعت به اصول و قواعد خانواده و ارث و اموال دلبستگی خاصی داشتند و مقررات گوناگون مزبور نیز با روحیه و خلق و خوی مردم بستگی پیدا کرده بود. بنابراین میان دو بخش بزرگ مدنی: تعهدات یک‌سو، شخص و مال و ارث سوی دیگر، اختلاف بنیادی وجود داشت و واحد کردن مقررات این بخش با یک روش یا روشهای همسان امکان‌پذیر نبود. و این جمله مانع خلق آنی یک دستگاه قانونی برای سراسر حقوق خصوصی کشور سویس، همانند آنچه در قانون تعهدات سویس گذشته بود، می‌گردید.

با وجود این نیرو گرفتن حس ملیت و لزوم تضمین بقای ملت وجود یک قانونی مدنی را برای تمامی سرزمین سویس ایجاد می‌کرد و برای ایجادچنین وحدت قانونی درباره شخص و مال و ارث راه راست تنها یکی بود، آنهم رجوع به گنجینه حقوقی خود مردمان سویس بود. این کار، چنانکه اویگن هوبر بخوبی و کمال از آن آگاه بود و اثر او نیز نشان می‌دهد، می‌بایست با دقت و احتیاط و هوشیاری بسیار بدین‌گونه صورت می‌گرفت:

بررسی حقوق استانها: حقوق خصوصی استانها چیست؟ باین پرسش هنگامی می‌شد پاسخ دادکه نخست تمامی مقررات استانها گردآوری، سپس عین و دست‌چین شود تا بتوان آنها را از جنبه علمی بخوبی پرداخت. این کار مستلزم بینش‌خاص و تنها وقتی امکان‌پذیر بود که تکامل تاریخی حقوق خصوصی استانها با عمق لازم و کافی درک و ضبط شود. پژوهنده حقوق با این دو قدم و پس از کسب این شناخت، یعنی شناخت تاریخی و بیان و توضیح تکامل حقوق هر استان؛ می‌توانست

اصل را از بدل تمیز دهد و معلوم دارد که چه چیزی برآستی در شرایط زندگی سوییسی روپیده و رشد و نمو نموده و از راه سنت به ارث رسیده، و چه چیزی بتصادف و یا با اتکا به نمونه‌های پیش ساخته بیگانه و پیروی کورکورانه و سطحی از قالبهای آماده خارجی به جامه حقوقی سوییسی درآمده و شکل نهاد حقوقی سوییسی بخود گرفته است.

تطبیق حقوق استانها با یکدیگر: همچنین می‌باید حقوق مدنی استانها را با یکدیگر سنجید و روشن نمود که دیرین‌ترین نهادهای حقوقی آن مرز و بوم کدام است، ارزش تکاملی نسبی هر يك چیست، چه محتوای عملی و چه فایده‌ای دارد. این «تطبیق حقوق استانها» دو نتیجه می‌داشت: یکی آنکه وجوه افتراق و تشابه آنها معلوم می‌گردید که البته لازمه آن آگاهی دقیق از نظامهای حقوقی جاری استانها و تسلط بر آنها بود؛ و دیگر «استخوانبندی حقوق همه استانها در مجموع و دستگاه متناسب آنها» کشف می‌شد که این نیز به نوبه خود می‌توانست «شناخت بنیادی و تاریخی تکامل حقوقی سویس» را ممکن و آسان سازد. اگر کسی توانایی داشت این مهم را از پیش بردارد، یعنی می‌توانست با بصیرت و اطلاع کامل از بنیانهای تاریخی موطن خود و تسلط بر مواد و مقررات گوناگون و با نظر صایب در ارزیابی هر قاعده حقوقی و احراز تکلیف و فایده عملی آن معمای حقوق پراکنده استانها را بگشاید، بیان علمی - تاریخی او راهنمای آینده حقوق سویس می‌گردید و مصالح کار قانون‌نویسی نیز فراهم می‌شد.^۷

ولی چه کسی می‌توانست این کار را انجام دهد؟ دولت صلاحیت نداشت. پس از وضع قانون تعهدات سویس دولت دیگر هیچگونه اختیاری برای وضع قانون تازه بمنظور استقرار وحدت در دیگر بخشهای حقوق خصوصی نداشت. و دستداران وحدت نیز با توجه به تجربه گذشته که آرای عمومی بسال ۱۸۷۲ «تنظیم مجموعه واحد قانونی برای سراسر سویس» را با اکثریت ضعیفی رد کرده بود، با احتیاط بیشتری گام برمی‌داشتند.

در حقیقت کوشش برای «وضع قانون مدنی سویس» بمعنای يك جریان بزرگ فکری، يك نهضت ملی سوییسی بود. و این جنبش با وجود استاد زبردست شهر بال، اویگن هوبر، ارتباط نزدیک و مستقیم پیدا می‌کرد. هوبر همچون نماینده وجدان ملت خود آرمان بزرگی را طرح و از آن دفاع و پشتیبانی می‌کرد. آنچه او نشر می‌داد، روح او، آموزش او حاوی اندیشه‌ای نفز و سہمی بود:

اکنون زمان آن فرا رسیده که برای سویس قانون مدنی نوشته شود، و این قانون باید از فرهنگ تاریخی حقوق مردمان این سرزمین مایه گرفته، هم از این سرچشمه منیراب شده باشد؛ بدیگر سخن، آنچه در میان انبوه مقررات استانها بنا بر ضرورت تاریخی و اقتضای عصر

(۷) نگاهي نیز به تواور، ص ۵ بیعد و گول، ص ۳۳۱ بیعد.

نشوو نما یافته و توانایی زیست و تکامل در آینده دارد، می‌باید در يك قانون مدنی ملی پذیرفته و گردآوری شود، چرا که هیچ حقوق نوی نمی- تواند پیوند خود را با گذشته یکسره بگسلد. بنابراین طرح اصلی قانون مدنی سویس می‌باید مبنی بر پذیرش حقوق بومی، حقوق استانها، و تصفیه و تکمیل آن باشد، نه پیروی از نمونه بیگانه...

در راه این آرمان و در میدان این مبارزه حیاتی، هوبر نه تنها در جرگه مطبوعاتی، نه تنها در محفلها و گروههای اجتماعی، بلکه به زبان و قلم در جامعه دانشگاهی و نشریه‌های وابسته بدان بکار بیداریجوی خود ادامه می‌داد و از روشن کردن ذهن مردم و دادن انگیزه فروگذار نمی‌نمود. بعنوان شاهد می‌توان «جشن‌نامه دانشگاه بال» را نام برد. که او یکن هوبر در سال ۱۸۸۴ بمناسبت پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه برن درباره «مبانی تاریخی حقوق مالی زناشویی در فرمان برن»^۸ نوشت. در این نوشته هوبر روابط مالی زناشویی در آغاز سده‌های میانه را مورد بحث قرار می‌داد و دلیل می‌آورد که نظم «وحدت اموال» در استان برن همان نظم اصلی مالی نکاح در «حقوق بورگوند - آلمان» است...

*

رهبران جنبش وحدت حقوقی از راه قانون نویسی بزودی استاد او یکن هوبر را شناختند. این همان هوبری بود که در آغاز دانشیاری و در نخستین تلاش برای تمهید وجدان تاریخی حقوق سویس در میان دانشجویان شهر زوریخ با شکست و ناکامی روبرو شده بود؛ همان هوبری بود که بسبب تبعیض در هنگام اعطای درجه استادی در شهر برن کار دانشگاهی را رها کرده، بیدرننگ بموطن نامهربان خود زوریخ بازگشته بود. اکنون وجود این مرد که در شهر بال درس حقوق می‌دهد، چندان ضرور و گرامی بود که نهضت ملی حقوق خصوصی سویس در پی ارتباط با او برمی‌آمد و به این ارتباط می‌باید:

در تاریخ شانزدهم سپتامبر ۱۸۸۴ لویی روشونه^۹، عضو شورای متحده و وزیر دادگستری و شهریاری سویس، به اجلاسیه حقوقدانان سویس در شهر لوزان چنین پیشنهاد کرد^{۱۰}:

«La société suisse des juristes charge son comité de provoquer une étude comparée complète de la législation civile des états de la Suisse, en vue de rechercher essentiellement quelles sont leurs dispositions communes et d'autre part quelles sont les divergences qui existent entre elles, les causes et les raisons d'être de ces divergences.»

8) Die historischen Grundlagen des ehelichen Güterrechts der Berner Handveste.

9) Louis Ruchonnet.

۱۰) حقوقدانان سویس، ص ۳۳۲.

حقوقدانان سویس این پیشنهاد را پذیرفتند و در آن اجلاس به خواستار بیان تطبیقی حقوق مدنی استانها شدند. «هیئت مدیره انجمن حقوقدانان سویس» مأموریت یافت که در کار «شرح و بیان حقوق خصوصی همه استانهای سویس» اقدام کند. رئیس هیئت مدیره، پاول اشپایزر، استاد شهر بال نیز به اویگن هوبر توسل جست: هوبر از این پیشنهاد سخت شادمان شد و بیدرنگک آنرا پذیرفت. دولت نیز حمایت می‌کرد. باین ترتیب کار تنظیم دستگاه حقوق خصوصی سویس که جامع حقوق همه استانها باشد، به اویگن هوبر واگذار شد.

این جریان بخوبی روشن می‌سازد که جهان علم چه زود و با چه شتابی به قریحه و استعداد هوبر پی می‌برد. اویگن هوبر در این هنگام حدود سی و پنجسال داشت و در همین سنین استاد مسلم حقوق مدنی سویس در شهر بال بود.

آگهی

آقای ابوالفتح ژند وکیل پایه یک دادگستری به موجب حکم شماره ۶۳۳۸ به تاریخ ۵۲/۱۲/۸ شعبه یک دادگاه انتظامی وکلاء به توبیخ با درج در روزنامه رسمی کشور و مجله کانون وکلاء محکوم گردیده

دادستان انتظامی وکلاء - پرنیان